

جنگ و پس از جنگ



کامبیز نوروزی

حقوق‌دان

۱- الان که در حال نوشتن این سطور هستم، سه‌شنبه است و مانند دیگران نمی‌دانم در بامداد چهارشنبه، آمریکا به تهدیش برای حمله به نیروگاه‌های کشور و افزودن به موارد نقض حقوق بشردوستانه عمل کرده است یا نه. اما تا همین‌جا آمریکا-اسرائیل در این جنگ چیزی از حقوق بین‌الملل باقی نگذاشته و در سکوت سیاه جهان مدعی تمدن، از هیچ جنایت جنگی علیه ایران و ملت ایران چشم‌پوشی نکرده‌اند. آغاز حمله به ایران مصداق بارز و آشکار تجاوز و نقض کامل منشور ملل متحد بود. این تجاوز نه مستند به تصمیم شورای امنیت سازمان ملل بود، نه می‌تواند دفاع مشروع باشد، چون ایران هیچ حمله‌ای به آمریکا نکرده بود و نه می‌تواند مصداق حمله پیش‌دستانه باشد، زیرا ایران هیچ‌گونه اقدامی نکرده بود که نشانه‌ای قطعی برای محتمل‌الوقوع بودن حمله ایران باشد. حمله به مدرسه میناب که جان ۱۶۸ کودک بی‌گناه را گرفت، حمله به صنایع غیرنظامی مانند فولاد مبارکه، فولاد خوزستان، منطقه پارس جنوبی و پتروشیمی‌های عسلویه، پالایشگاه تبریز، پتروشیمی شیراز، دانشگاه علم و صنعت، دانشگاه صنعتی شریف، مناطق متعدد در اصفهان، چند بیمارستان، میراث فرهنگی مانند کاخ گلستان و عالی‌قاپو، انستیتو پاستور، داروسازی توفیق‌دارو، صداوسیما و… بخشی از فهرست مکان‌های غیرنظامی است که مورد حملات هوایی آمریکا ورژیم اسرائیل قرار گرفته‌اند. علاوه بر اینها، تعداد پرشماری ساختمان‌های مسکونی نیز یا به‌طور مستقیم هدف قرار گرفته‌اند یا به دلیل نزدیکی و هم‌جواری با هدف‌های اصلی ویران شده‌اند. گفته شده است تعداد واحدهای مسکونی که بر اثر بمباران کاملا یا تقریبا ویران شده‌اند بیش از صد هزار واحد است. هنوز آمار دقیق غیرنظامیانی که بر اثر این حملات جنایت‌بار جان خود را از دست داده یا مجروح شده‌اند، مشخص نیست، ولی گفته می‌شود هزاران نفر قربانی این جنگ تجاوزکارانه شده‌اند. این جنگ را آمریکا و رژیم اسرائیل آغاز کرده‌اند و آنها هستند که ادامه می‌دهند.

۲. از نظر حقوقی، خواسته‌های آمریکا از ایران هیچ مبنایی ندارد. فشار آمریکا برای تحویل ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده غیرحقوقی است. دولت‌ها نمی‌توانند به‌طور مستقل در چنین اموری در مسائل دولت‌های دیگر مداخله کنند. بستن تنگه هرمز نیز مطابق کنوانسیون حقوق دریاها، مصوب ۱۹۸۲ و قواعد حقوق بین‌الملل دریاها از حقوق ایران است. آمریکا و هیچ دولت دیگری نمی‌تواند برای بازکردن تنگه هرمز متوسل به زور شود و به این بهانه جنگ‌افروزی کند. جنگ آمریکا-اسرائیل علیه ایران و ملت ایران، از هر جهت نامشروع و نقض‌گسترده و آشکار حقوق بشردوستانه است.

۳. اما جهان با حقوق بین‌الملل اداره نمی‌شود. اگر حقوق معیار و ملکی دارد که با آنها حق و تکلیف اشخاص تعریف و تضمین می‌شود، در روایت بین‌الملل جهان قدرت ملاک و معیاری نمی‌شناسد جز زور. در یک نگاه حقوقی محض، همان‌طور که در حقوق ملی همه اشخاص برابرند، در حقوق بین‌الملل نیز همه دولت‌ها برابرند و باید در برابر قوانین و قواعد سر تسلسیم فرود بیاورند، در غیر این صورت با تنبیه و کفر روبه‌رو خواهند شد. اما واقعیت روایت بین‌الملل چیز دیگری است. دولت‌ها در عمل برای منافع خود هر کاری بخواهند یا دولت‌های ضعیف‌تر از خود انجام می‌دهند. اگر منافع ایجاد کند، هیچ ابایی از نقض انواع معاهدات، قواعد، معیارها و تعهدات بین‌المللی ندارند.

۴. در چنین جهانی برای گریز از توسعه‌طلبی‌های قدرت‌های بزرگ، سایر دولت‌ها باید هم قدرت داشته باشند تا نشان دهند لقمه سادساده‌ای نیستند و هم فن و هنر مهار قدرت را به‌خوبی بدانند و عمل کنند تا فکر جنگ را از سر دولت جنگ‌طلب بیرون کنند. قدرت مقوله‌ای است که در داخل کشور شکل گرفته و در تعیین موقعیت بین‌المللی کشور مؤثر است. توانایی مهار قدرت در روابط دولت به دولت‌های دیگر و به‌طور کلی روابط بین‌الملل کار می‌کند. اینها دو مقوله وابسته‌اند که بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. خطای بزرگی است اگر مفهوم قدرت فقط در توانایی نظامی خلاصه شود. علاوه بر قدرت نظامی، قدرت برآیند توانایی اقتصادی، همبستگی اجتماعی، پیوند دولت و ملت، فرهنگ و هنر پویا و مولد است که توان تولید و تثبیت هویت مشترک ملی بین تمام گروه‌های اجتماعی را داشته باشد، وجود نظم پایدار قانونی، کارآمدی نظام حکمرانی، مشارکت عمومی در قالب نهادهای مدنی و احزاب و سازمان‌های سیاسی در اداره کشور در چارچوب روابط دموکراتیک و بالاخره وجود رسانه‌های حرفه‌ای مستقل و آزاد است که در داخل مرجعیت داشته و در خارج نیز مؤثر باشند.

چهارشنبه ۱۹ فروردین ۱۴۰۵
۱۹ شوال ۱۴۴۷
۸ آوریل ۲۰۲۶
سال بیست‌ودوم
شماره ۵۳۵۵
۴۰ هزار تومان
۸ صفحه

روزنامه

در «شرق» امروز می‌خوانید: نامه سینماگران به مجامع جهانی در چهلم شهادت کودکان میناب • ۸۰۵ مدرسه آسیب دیده‌اند • جهانیگری: حمله به مراکز علمی، چهره واقعی دشمنان را آشکار کرده است

جنگ به مرحله حمله به راه‌های دسترسی و خطوط ریلی کشور رسید

دستبرد به میراث راه آهن

گزارش تیریک رادر صفحه ۳ بخوانید



روایتی از هفته‌ها ایستادگی؛ از میدان نبرد تا میز مذاکره

ایران ایستاده در آتش

این گزارش رادر صفحه ۲ بخوانید

یادداشت

از مجاهدان جنگ تا مجاهدان پسا‌جنگ



امیرثامنی

جهنم برای ایرانیان بوده تا برای آثانی که به خیال خام خویش، با‌کینه‌داشتن از «جمهوری اسلامی» دل در گرو «کمک در راه است» ترامپ برای «آبادی» ایران داشتند، چیزی جز «آواری» از روسیاهی باقی نماند. این‌رو فضای روانی جامعه عمدتاً منفی، ناامید و نگران فردا و فرداهای نزدیک است. باوجوداین جنگ تحمیلی پیش‌رو با هر نتیجه و پیامدی، سرانجام دیر یا زود به پایان خواهد رسید و «فردای پسا‌جنگ» یک وضعیت قطعی است که در آن هم «ایران» باقی خواهد ماند و هم «جمهوری اسلامی» همچنان باید برای به ساحل امن رساندن کشتی این کشور جنگ‌زده در دریای متلاطم منطقه، طرح و برنامه کارآمدی را تنظیم و اجرا کند. این پرواضح است که با دست‌فرمان و ساختار و سازوکار پیشین دیگر نمی‌توان این کشور زخم‌خورده و اقتصاد تضعیف‌شده را از خاکستر تخریب‌گسترده زیرساخت‌ها و دارایی‌های کشور بلند کرد. به عبارت بهتر «ملک ر با فکر دیگری باید».

یادداشت

لزوم در پیش گرفتن رویکردهای آینده بر پایه واقعیت‌های میدان جنگ

تکرار چرخه ناکام یک‌دست‌خواهی! اندیشمند و میهن‌دوست نیاز به وکیل مدافع ندارد

گسترده به زندگی ده‌ها میلیون ایرانی، منطق و خرد سیاسی حکم می‌کند که باید همین راهکار را در پیش گرفت. برخی بر این باورند که حمله به زیرساخت‌ها حتمی (بر پایه تصمیمی از پیش گرفته‌شده در سیاست خارجی ترامپ و تیم او) است و ما ابتکار عمل و میدان مانور چندانی در این زمینه، مگر در تنگه هرمز نداریم. اما بر این باورم که با تقویت استقلال نهاد دیپلماسی در کوتاه‌ترین فرصت، هنوز روزنه کوچکی برای این کار باقی است و روشن است که در چنین یادداشتی نمی‌توان به ابعاد آن پرداخت. خوب است کسانی که تهدیدهای ترامپ را باور نداشته‌اند، توجه کنند که همان دو، سه ماه پیش هم برخی تحلیلگران و اهل اندیشه بر این عقیده بودند و بودیم که بر پایه تیپ شخصیتی و رفتاری ترامپ، لشکرکشی و ناوهای او برای نمایش نیست؛ آنچه برای ترامپ اهمیت دارد، در درجه نخست «اول‌خودم» است و نه حتی راضی نگه‌داشتن حامیانش که به «ماکا» موسوم هستند. او به منافع حامیانش در درجات بعدی می‌اندیشد، نه مقدم بر خواسته‌های خود. از این‌رو نباید تهدید اخیر ترامپ را که در آن از هدف‌گیری زیرساخت‌های حیاتی سخن گفته است، تهدیدی نمایشی و توخالی دانست. شخصیت‌شناسی و پیشینه او، به‌ویژه از خرداد ۱۴۰۴ و در دور دوم ریاست جمهوری‌اش، نشان داده که باید گفتار و رفتار او را با دقت زیر نظر گرفت. پس بدون آنکه واژه ناروای تسلیم را بخواهیم به میان آوریم، باید با تأکید بر دفاع درست و به‌هنگام، بر پایه شناخت از شخصیت شناور و متغیر ترامپ، همواره به گزینه‌های پایان‌درگیری نیز توجه داشته باشیم. اهمیت این موضوع هنگامی بیشتر می‌شود که واقعیت «میدانی» را درست متوجه شویم: اختلاف فاحش جغرافیای کشور متجاوز آمریکا با میهن مورد تجاوز ایران، سبب شده تا مستقیماً و هم‌سنگ با تهدیدهای ترامپ توانیم گزینه در اختیار داشته باشیم و از سوی دیگر کارشناسان باخرد نظامی نیک می‌دانند که هرگاه پدافند هوایی کشوری تضعیف شود، دست بالا در آسمان یا کشوری است که توان هوایی برتری دارد و همین مطلب، خطر ریسک‌پذیری زیرساخت‌ها را بیشتر می‌کند.



زیرساخت‌ها متعلق به مردم ایران هستند از اصغر فرهادی تا اهالی موسیقی در کنار مردم ایستادند

۸

برگزیده‌ها

قطع‌نامه پیشنهادی بحرین تصویب نشد

روسیه و چین پشت ایران در آمدند

۲

مدیریت بحران و تاب‌آوری شهری در نگاه نوین

شهر خوددفاع؛ معماری بقا در دل بحران

۷

بلقرم‌های طلا در شرایط جنگی و محدودیت اینترنت به ارائه سرویس خود ادامه دادند:

پناهی برای مدیریت دارایی

۶

گزارش «شرق» از تعدیل‌های گسترده و اخراج کارگران و کارمندان بخش‌های مختلف؛ از مهمانداران تا تولیدکنندگان محتوا در فضای مجازی

موج گسترده بیکاری

۵

نگاه

آن کفا‌ها که به دروغ ترامپ و تهدید‌رآه آهن ایران رسید

یادداشتی از روزبه کردونی

۶

یادداشت

ضرورت شفاف‌سازی در آمدی در فردای جنگ



محمدرضا یوسفی‌شیخ‌رباط

اقتصاددان و استاد دانشگاه مفید

بنا بر برخی اخبار غیررسمی، پس از آغاز جنگ و شرایط جدید ایجادشده به‌ویژه تغییر وضعیت در تنگه هرمز و همچنین تحولات نفت در جهان، ساختار فروش نفت ایران مجدداً در شرکت ملی نفت ایران متمرکز شده یا در حال انجام‌شدن است. بر این اساس از سال جاری، فروش نفت ایران مجدداً در انحصار شرکت ملی نفت قرار می‌گیرد (و شاید هم قرار گرفته باشد). مجموعه‌هایی که در قانون بودجه نیز از سهم نفت برخوردار بودند، فروش و امور بازرگانی نفت تخصصی آنها توسط شرکت ملی نفت انجام خواهد شد و در نتیجه، این شرکت مکلف به تأمین بودجه لازم از طریق فروش نفت خواهد بود. این نکته که در برخی رسانه‌ها و کانال‌های خبری آمده، در صورت صحت، نوید خوب و مثبتی است. ایران پس از تحریم، به روش‌هایی جهت دورزدن تحریم دست زد که موجب گستره فساد در کشور شد. شفافیت به دلایل قابل درک از بین رفت، هرچند بهتر بود از روش‌های دیگر که توسط برخی کارشناسان پیشنهاد شده بود، استفاده می‌شد. دورزدن‌ها به روش خاص، هرچند منافع در بر داشت اما زیان‌های گسترده‌ای بر ساختار سیاسی و اقتصادی کشور تحمیل کرد تا بدان جا که در تبصره یک بندی لایحه بودجه ۱۴۰۲ برای اولین‌بار به‌صراحت آمده بود «دولت مکلف است ۴۰۵ میلیارد یورو از طریق تحویل نفت به اشخاص حقیقی معرفی‌شده توسط دستگاه‌های اجرایی بابت تقویت بنیه دفاعی کشور یا طرح‌های محرومیت‌زدایی اختصاص دهد»؛ با وجود این در جداول بودجه اثری از چگونگی این رقم نبود. اکنون با شکل‌گیری شرایط جدید و کنترل بر تنگه هرمز توسط ایران، فشار بر بازار انرژی جهانی، امکان فروش نفت بدون نیاز به دورزدن تحریم‌ها تحقق یافته است. از این جهت این خبر غیررسمی را باید به فال نیک گرفت و اگر چنین تصمیمی گرفته نشده، مناسب است برای این تغییر جهت تصمیم‌سازی شود.

ایمه در صفحه ۵



نویدمجیدی

روزنامه‌نگاروتحلیگر

چه کسی هست که مخالف اصلی بنیادین و مقدس همچون «دفاع از میهن» باشد؟ اصولاً در کجای تاریخ ایران سراغ داریم که «ملت ایران» در برابر متجاوز کرنش کرده باشد؟ اما همین دو، سه مفهومی که در آغاز این یادداشت از آن نام بردیم، مفاهیمی «مطلق» نیستند و اگر چه در واژه‌نامه‌ها معنایی روشن دارند، اما کاربست سیاسی و عملی «دفاع» و گزینش رویکردهای وابسته به آن، تابعی از «زمان» و «میدان» نیز هست. از همین رو است که حتی در روزگاری که «ایران» به‌طور موقت زیر چکمه سربازان بیگانه رفته، معنای دفاع و شیوه و رویکردهای دفاعی، از دوره دیگر متفاوت بوده است. در فضای هیجانی کنونی و به دور از هرگونه برچسب‌زنی، هر تحلیگری باید بتواند آزادانه برآورد، تحلیل و دیدگاه خود را بیان کند؛ شاید که به کار خردورزان و گوش‌های شنوا بیاید و روال بهتری بر تصمیم‌گیری مقامات جاری شود. با این درآمد چندسطری، اشاره به چند مورد در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی را بایسته می‌دانم.

۱. مارشال «کونیف» که یکی از مارشال‌های نامدار و شجاع ارتش شوروی در جنگ جهانی دوم و به نام «فاتح کورسک» معروف بود، جمله‌ای به‌یادماندنی دارد که آرتور کنت در کتابش آن را نقل کرده است. کونیف یک بار به یکی از سرنگ‌های خود گفت: «... قهرمان در جنگ کسی است که وقتی به او می‌گویند بچنگ، می‌چنگد و وقتی فرمان می‌دهند عقب‌نشینی کن، عقب می‌نشیند. وقتی به کسی می‌گویند عقب‌نشینی کن و باز هم می‌چنگد قهرمان نیست...». هدف از بازگویی این جمله، خالی‌کردن دل کسی نیست، بلکه یادآوری به دولتمردان و نیز مقامات ارشد نظامی و نهادهای تصمیم‌گیر است که با سنجش واقعیت‌های میدانی، آمار پشتیبانی و توان پشتیبانی، پیامدهای اقتصادی دور و نزدیک، خطر حمله به زیرساخت‌های حیاتی و مسائلی از این دست، بتوانند بر پایه «منافع ملی»، تصمیم‌های درست و «قهرمانانه» بگیرند. هیچ انسان شریف و منطقی‌ای انکار نخواهد کرد که کشور ما مورد تجاوز قرار گرفته‌است – اما هر دلیلی یا زمینه‌ای – اما در کنار اصل بنیادین «دفاع» از کیان کشور، اگر مصلحت «ایران» در پایان جنگ و با یک دیپلماسی منجر به تضمین‌های لازم باشد، برای جلوگیری از آسیب

ایمه در صفحه ۵